



۶

## تجلی فضایل حضرت علی علیه السلام در «دفتر عقیق»



۵

## بچه ها هنوز از من می ترسند



۷

## «آزادی مشروط» با پرویز فلاحی پور

# رسانه

چهارشنبه ۳۱ فروردین ۱۴۰۱ :: شماره ۶۱۹۷



بینید و بشنوید

شبکه یک	
<div>طرحی برای فردا</div>	۱۷
<div>دعوت</div>	۱۹
<div>درس‌هایی از قرآن</div>	۲۰:۱۵
<div>مسابقه «ایران»؛ این مسابقه جذاب و پر تعلیق با هدف ایران شناسی طراحی شده و نخستین مسابقه تلویزیونی است که تمام سؤالات آن درباره ایران است.</div>	۲۳

شبکه دو	
<div>دست کی بالا</div>	۹
<div>پخش زنده آیین ترتیل خوانی</div>	۱۰:۳۰
<div>شعر ماه</div>	۱۳
<div>ایوان بهشت</div>	۱۳:۳۰
<div>رستاخیز تفتنگ ها</div>	۱۵
<div>سریال «از سرنوشت ۴»</div>	۲۱:۱۵

شبکه چهار	
<div>آوای ماه</div>	۱۷
<div>سریال «خاک و نمک»</div>	۱۷:۳۰
<div>زندگی پس از زندگی؛ روایت افرادی که در تجربه مرگ تقریبی، از کالبد جسم خارج شدند و عالم برزخ را درک کردند و بازگشتند. در این برنامه با سفر به نقاط مختلف ایران و جهان، مخاطبان برنامه مهمان روایت‌های شگفت‌انگیز تجربه کران مرگ تقریبی از عالم غیب می‌شوند.</div>	۱۸:۳۰

<div>راز آسمان</div>	۲۰:۳۰
<div>سوره</div>	۲۲

شبکه پنج	
<div>پروانه</div>	۱۱:۲۰
<div>تها مسیر</div>	۱۳:۳۰
<div>رنگین کمان</div>	۱۵:۲۰
<div>شاید برای شما هم اتفاق بیفتد</div>	۱۸:۵۵
<div>جشن رمضان</div>	۲۰:۵۰
<div>ویژه برنامه شب قدر</div>	۲۲

شبکه آموزش	
<div>آخ جون کارتون</div>	۹:۳۰
<div>دکتر سلام</div>	۱۳:۱۵
<div>فارسی‌بان؛ با هدف حفظ و ترویج زبان و ادب فارسی تولید می‌شود همچنین به مناسبت رویدادهای مرتبط با زبان و ادب فارسی به موضوعات و رویدادهای این حوزه می‌پردازد.</div>	۱۹:۱۵

<div>سرداران روستا</div>	۲۰:۰۵
<div>چرم</div>	۲۱:۱۰
<div>مشاعره رضائی</div>	۲۱:۳۰

شبکه مستند	
<div>نواوران</div>	۱۵
<div>همسفر</div>	۱۷
<div>برونده مستند</div>	۱۷:۳۰
<div>مارستان</div>	۱۹
<div>وحشی ترین مناطق</div>	۲۳

شبکه امید	
<div>مستند «شب قدر در سنگر»</div>	۱۵:۳۰
<div>علم را کشف کن</div>	۱۷:۱۵
<div>فیلم سینمایی «مناره»</div>	۱۷:۳۰
<div>مجموعه «آگوم بی‌من»</div>	۲۱
<div>اسرار موزه</div>	۲۲
<div>ستاره‌ها</div>	۲۳:۳۰

شبکه‌های رادیویی	
<div>رادیو اقتصاد / چالش</div>	۱۲:۰۵
<div>رادیو نمایش / نمایش «پشت دروازه‌های شهر»</div>	۱۵
<div>رادیو ایران / باغ ارغوان</div>	۱۵
<div>رادیو قرآن / درسنامه نهج البلاغه</div>	۱۵:۰۱
<div>رادیو جوان / پرچمدار</div>	۱۶
<div>رادیو ورزش / همیشه با ورزش</div>	۱۸

خاطره‌بازی با سریال‌هایی که ویژه شب‌های قدر روی آنتن رفتند

# قدرشناسی قصه‌ها

گفت‌وگو با مرتضی ضرابی، بازیگر نقش شیطان در سریال «او یک فرشته بود»

## بچه‌ها هنوز از من می‌ترسند



زهراسلطاتی

رسانه

«با وجود سال‌ها فعالیت در عرصه بازیگری، مخاطبان تلویزیون همچنان شما را با نقش‌تان در سریال او یک فرشته بود به یاد می‌آورند و به‌نظر می‌رسد تبدیل به جدی‌ترین

نقش‌آفرینی‌تان تا امروز شده‌است؟ قبل از بازی در سریال او یک فرشته بود، چون کار کودک کرده بودم، بچه‌ها دوستم داشتند و زیاد در اطرافم در رفت و آمد بودند اما پس از پخش سریال دیگر از من می‌ترسند (می‌خندد).

همین موضوع بیانگر اهمیت نقش شیطان در سریال و البته بازی تأثیرگذار و به‌یادماندنی شما در قالب این شخصیت است اما در سال‌هایی که از ساخت و پخش سریال می‌گذرد بارها از بازی در نقش شیطان اظهار پشیمانی کرده‌اید، چرا؟

شیطان در سریال او یک فرشته بود یک نقش کاملاً منفی و سیاه بود. هیچ خلصلت و نکته مثبتی در این شخصیت نمی‌شد سراغ گرفت. البته خود نقش ذاتا جذاب به‌نظر می‌رسید و هر بازیگری را برای ایفایش وسوسه می‌کرد اما همین نقش‌های مطلقا سیاه ممکن است بازیگر را در خود گرفتار کند و فرصت‌های دیگر را از او بگیرد. متأسفانه این اتفاق پس از پخش سریال برای من افتاد و با موجی از پیشنهادهای برای نقش‌های مشابه مواجه شدم. همه پیشنهادهای به نقش‌های منفی ختم می‌شد. این درحالی بود که من قبل از او یک فرشته بود، نقش‌های خاکستری و حتی مثبت زیادی را در فیلم‌ها و

سریال‌ها بازی کرده بودم. اما فقط برای نقش‌های منفی و سیاه تماس می‌گرفتم که طبیعتا نمی‌پذیرفتم. در نتیجه حضورم در عرصه بازیگری به‌نسبت گذشته خیلی کمترنگ شد. اما نقش‌های منفی هم می‌توانند برای یک بازیگر اعتبار به‌همراه بیاورند. در تاریخ سینما هم بازیگرانی را داریم که به‌واسطه نقش‌های منفی جاودانه شده‌اند.

من هم با نقش‌های منفی مشکلی ندارم. اتفاقا بازی در نقش منفی در قیاس با نقش مثبت کار سخت‌تری هم است و برای بازیگر چالش‌های بیشتری دارد. بازیگر برای درآوردن نقش منفی خیلی بیشتر باید تلاش کند و از خودش مایه بگذارد. مشکل من با کلیشه شدن در قالب نقش‌های منفی است. این که توقع داشته باشند فقط نقش منفی بازی کنی و همه پیشنهادها در این راستا باشد برای بازیگر خوشایند نیست و گزینه نقش منفی نه تنها برای خود بازیگر جذاب است که می‌تواند باعث دیده شدن توانایی‌های او هم بشود.

روزی که علیرضا افخمی پیشنهاد

نقش تازه و متفاوت را به او پیشنهاد دهد. باید فرصتش پیش بیاید تا بازیگر نشان دهد که توانایی‌های دیگری هم دارد و مثلا می‌تواند نقش مثبت یا خاکستری هم بازی کند اما زمانی که دیگران حاضر نیستند ریسک کنند و یک نقش متفاوت را پیشنهاد دهند دیگر کاری از دست بازیگر ساخته نیست و فقط باید منتظر فرصت بماند. جالب آن‌که شخصیت سررابی یا همان شیطان با وجود منفی بودن مطلق در عمل از برخی شخصیت‌های مثبت بیشتر به چشم مخاطب آمد و تأثیرگذارتر بود؟ این موضوع، هم نشان از پدرازش درست کاراکتر دارد و هم بازی خوب شما.

من برای ایفای این نقش هرچه می‌توانستم و از دستم برمی‌آمد انجام دادم. همین که می‌بینم مردم سریال را این‌قدر دوست دارند باعث خوشحالی‌ام می‌شود. سریال او یک فرشته بود برای اولین بار یک شمایل قابل لمس از شیطان ارائه داد. قبل از این سریال، همه چیز در مورد شیطان در حد تصور و خیال بود. فکر می‌کنم علت اصلی ملموس بودن شیطان برای مخاطب هم به همین موضوع بازمی‌گشت. از طرف دیگر بسیاری از مردم هنگام تماشای سریال احساس می‌کردند امثال سررابی را در زندگی زیاد دیده‌اند و در چنین موقعیتی قرار گرفته‌اند اما خودشان متوجه نبوده‌اند. سریال او یک فرشته بود همچنان یکی از آثار نمایشی محبوب و پرمخاطب مناسبتی تلویزیون است، به‌خصوص در ژانر ماورائی. هنوز هم مردم این سریال را با وجود تکرارهای متمادی با علاقه و کنج‌کاوی دنبال می‌کنند.

به‌عنوان یکی از بازیگران این سریال، چه دلایلی را برای این جذابیت و گیرایی متصور هستید؟ سریال سوزه بکری داشت که قبلا به آن پرداخته نشده بود. این سوزه هنوز هم طراوت خودش را دارد. قصه هم به زیبایی نوشته شده بود. شخصیت‌پردازی مناسبی هم

روی کاراکترها انجام شده بود که باعث می‌شد مخاطب با آنها همدات‌پنداری کند. از سوی دیگر، بازیگران توانایی هم در سریال حضور داشتند و نقش‌آفرینی‌ها خیلی خوب بود. البته نباید از کارگردانی مسلط آقای افخمی هم گذشت. این روزها چه می‌کنید و مشغول چه کاری هستید؟ فعلا هیچ. آخرین کارم سریال «آتش سرد» آقای ابوقاضی بود که تا اواخر بهمن سال گذشته درگیرش بودم. بعد از آن بیکار هستم. البته خودم دوست دارم همیشه کار کنم اما پیشنهاد خوب ندارم. این روزها همه به‌دنبال بازیگران جوان هستند و دیگر کمتر به بچه‌های قدیمی کارکشته فرصت بازی می‌رسد. هر چند فکر می‌کنم مردم با بازیگران قدیمی بیشتر خاطره دارند. ]



## درددل‌های یک راننده محترم



زینب علیپور طهرانی

رسانه

ما خبرنگارها حتی در خارج از زمان کاری هم می‌توانیم خبرساز شویم. اصلا خیرو مصاحبه و گزارش انگار در خون ماست. بنابراین حتی زمانی که کار شخصی هم داریم، به‌نوعی درگیر ماجرامی شویم. گاهی ماچراها خنده‌دار و مضحک است و گاهی غم‌انگیز و ناراحت‌کننده. خاطره‌ام درباره یکی از روزهایی است که برای کار شخصی و مشکلی که پیش آمده بود باید به یکی از وزارتخانه‌ها مراجعه می‌کردم. کارم که انجام شد از تاکسی اینترنتی استفاده کردم و منتظر ماندم. غافل از این که قرار است درگیر چه ماجرابی شوم. راننده محترم مقابل پای من ترمز کرد و تا نگاهش به تابلوی آن وزارتخانه افتاد، خشمگین شد تا جایی که سلام من بی‌پاسخ ماند. از آنجا که معمولا خطای اپلیکیشن در مبدا و مقصد وجود دارد، مقصد را با آقای راننده چک کردم اما از همین جا، غر زدن‌های آقای راننده آغاز شد.

بعد هم به تصور این که یکی از کارمندان آن وزارتخانه هستم که توانایی تصمیم‌گیری دارم، شروع به انتقاد کرد. برای راننده توضیح دادم کارمند آنجا نیستم و اگر هم بومد کاری از دستم برنمی‌آمد. همین که گفتم خبرنگارم خشم او بیشتر شد و با لحن و صدای بلندتری از گرانی لوازم بدکی خودرو گرفته تا نان، گوشت، مرغ، برنج و... گفت و انگار که مسؤول همه گرانی‌ها من هستم. انگشت اشاره‌اش را به سمت می‌گرفت و مدام می‌گفت شما خبرنگارها پس چه کار می‌کنید؟ چرا حرف ما را به گوش مسؤولان نمی‌رسانید؟

برای این‌که اوضاع را کمی آرام‌تر کنم برای آقای راننده توضیح دادم در بخش فرهنگی یک روزنامه فعالیت می‌کنم و طرف حسابم هنرمندان هستند. یکباره گله‌گذاری‌هایش رنگ دیگری گرفت و نوک پیکان را به سمت بازیگران و ستاره‌های سینما برد. این‌که آنها هیچ کار سختی انجام نمی‌دهند و دستمزدهای نجومی می‌گیرند و راننده محترم روزی هزار تا کلاج و ترمز می‌گیرد و آخر سر هم دستمزدش کفاف اجاره خانه‌اش را نمی‌دهد؛ چه برسد به خرید برنج و گوشت و مرغ. اما کمی بعد لحن صدایش تغییر کرد و آرام‌تر شد و سؤالات‌هایش درباره بازیگران سینما آغاز شد. حتی علاقه بسیاری به زندگی خصوصی بازیگران داشت و مدام سؤالاتی از این دست می‌پرسید و من جواب سربلای می‌دادم. خلاصه این‌که زمان به همین منوال گذشت و من در حال چیدن پاسخ‌هایی برای او بودم که به مقصد رسیدم. جالب این‌که موقع پیاده شدن از من خواست در اپلیکیشن امتیاز بالایی به او بدهم و مدام هم روی این جمله تاکید می‌کرد! ]

منبع: سریال قصه‌ایرانهم با بازی داریوش فرهنگ شبکه‌های قدر از شبکه هشت می‌شود. - عکس: روابط عمومی شبکه ۵ - ۱۶۰۷